

تدوین برنامه درسی مبتنی بر فلسفه برای کودکان پایه چهارم در درس علوم تجربی با تاکید بر کاوشگری علمی

طاهره نظامیان پور^۱، لادن سلیمی (نویسنده مسئول)^۲ و وحید فلاح^۳

چکیده

هدف پژوهش تدوین برنامه درسی آموزش فلسفه برای کودکان با رویکرد کاوشگری علمی در پایه چهارم ابتدایی است. این پژوهش در زمره پژوهش‌های کیفی با استفاده از روش مطالعه موردی کیفی انجام شده است. مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی، متخصصان، صاحب‌نظران و پژوهش‌گران حوزه فلسفه و برنامه درسی بود. با استفاده از تکنیک نمونه‌گیری گلوله برفی و اشباع نظری، با آگاهی‌دهندگان کلیدی مصاحبه به‌عمل آمد. با استفاده از یافته‌ها، چارچوب برنامه درسی آموزش سواد حقوقی دوره متوسطه فلسفه برای کودکان با رویکرد کاوشگری علمی برای پایه چهارم ابتدایی در قالب چهار عنصر طراحی و برنامه درسی تدوین گردید. که عناصر هدف شامل (پرسشگری، نقادی، مسئولیت‌پذیری، رشد فردی و اجتماعی، رشد تفکر، شکوفایی استعداد) محتوا شامل (طبقه بندی، تمثیل، رابطه کل و جز، رابطه وسیله و هدف و به دنبال معانی) عنصر روش شامل (بحث گروهی، بدیعه پردازی، تفحص گروهی، پرسش و پاسخ، مداخله راوی، بیان فکر، بارش مغزی، کاوشگری علمی) و ارزشیابی شامل (درون‌داد، فرایند، برون‌داد، بازخورد) در تدوین و طراحی برنامه درسی لحاظ گردید.

کلمات کلیدی: برنامه درسی، فلسفه برای کودکان، پایه چهارم ابتدایی

^۱ دانشجوی دکترا فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد ساری، ساری، ایران

^۲ استادیار گروه برنامه ریزی درسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد ساری، ساری، ایران

^۳ استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت و برنامه ریزی درسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد ساری، ساری، ایران

مقدمه

یکی از اهداف هر نظام آموزشی تربیت انسان های هشیار و آگاه است. بنابراین لازم است در برنامه های درسی تحقق چنین هدفی مدنظر قرار گیرد. بهتر است برنامه های درسی قدرت و توانایی استدلال و تفکر را در دانش آموزان تقویت نموده، به جای انباشتن حقایق و عقایدی که پیشینیان بیان نموده اند، تقویت اندیشه فلسفی را در آنان مورد توجه قرار داده، بر توانایی دستیابی به دانایی و آگاهی تاکید نمایند. در واقع آموزش و پرورش باید به پرورش دانش آموزانی منجر شود که توانایی بازشناسی عقاید و نظرات صحیح از ناصحیح را دارند و در این راستا استدلال و دلایل مناسبی را به کارمی گیرند. در غیر اینصورت دانش آموز زندگی خود را تحت تاثیر عادات، رسم و رسوم و گاه بر مبنای اتفاقات پیش خواهد برد (ضرغامی، ۱۳۸۷). بنابراین آموزش و پرورش باید درست اندیشیدن درباره اندیشه ها را به دانش آموزان بیاموزد و آنان را طوری تربیت کند که هدفمند و آینده نگر باشند و در تعبیر و تفسیر مسائل به قضاوت درست بپردازند. ماتیبو لیمن^۱ و دستیاران وی نخستین برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان را در دانشگاه مونتکلیر^۲ نوشته تهیه کردند. این برنامه درسی که بررسی های اولیه آن تقریباً از سال ۱۹۶۹ شروع شده است؛ تاکنون به صورت یک برنامه درسی کامل برای کل دوران مدرسه (۱۲-۸) درآمد است. این برنامه، در صدها مدرسه در آمریکا و ۱۶۰ کشور دنیا به صورت داوطلبانه اجرا می شود. این برنامه، ۲ تا ۴ ساعت از اوقات مدرسه کودکان را در طول هفته در مدرسه و خارج از آن، به خود اختصاص میدهد و کلاس، به صورت یک اجتماع پژوهشی که در آن کودکان پیرامون داستان های خوانده شده در کلاس به بحث و گفتگو می پردازند، اداره میشود (فیشر، ۱۳۸۵). اهداف کلی این برنامه درسی متوجه کل پایه های درسی است و از پایه اول تا دوازده پیگیری می شود. برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان در سه دهه گذشته، هدف های متنوعی دربرداشت هاست. این اهداف، در قالب محتوای داستانی و روایی ریخته شده و در اختیار معلم و شاگرد قرار گرفته است. کتب اولیه در این زمینه شامل قصه، داستان و رمان بوده است. در حال حاضر، هر موضوعی می تواند محتوای برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان قرار گیرد (قائدی، ۱۳۸۳). محتوا، اغلب به صورت داستان است زیرا کودک خود را با شخصیت های داستانی مقایسه می کند. این کار بیشتر به صورت عقلانی و فکری صورت می گیرد و کمتر هیجانی است. کودکان با توجه به سبک و شخصیت های داستان صحبت و فکر می کنند. در داستان ها از زبانی استفاده می شود که به زبان

^۱ Lipman

^۲ Montclair university

تدوین برنامه درسی مبتنی بر فلسفه برای کودکان پایه چهارم در درس علوم تجربی با تأکید بر ... □ ۱۷

واقعی کودک شباهت دارد و مطابق با مراحل رشد شناختی کودک است (قضاوی، ۱۳۸۵) مطالعات نشان می‌دهد کودکان به دلیل داشتن ویژگی‌ها و تمایلات خاص روحی، بیش از بزرگترها به قصه علاقه دارند و به همان نسبت زودتر و بیشتر ماجراهای آن را باور می‌کنند و عمیق‌تر تحت تأثیر موضوع و شخصیت‌های داستانی قرار می‌گیرند (عطاران، ۱۳۷۵). برنامه درسی که لیپمن ارائه داده است با توجه به فرهنگ و شرایط اجتماعی کشور خود او است و با فرهنگ کشور ما چندان سنخیت ندارد و اگر قرار باشد همان برنامه درسی را با همان کیفیت به کودکان ارائه دهیم به صورت نامحسوس برای کودکان را دچار تعارض خواهیم کرد. چراکه مطالب موجود در این داستان با فرهنگ ما همخوانی ندارد و ممکن است به صورت غیرمستقیم بدآموزی داشته باشد. برخی از متونی که لیپمن نوشته است در همه کشورها مورد استفاده قرار نمی‌گیرد (قائدی، ۱۳۸۵) زیرا یا قدیمی شده‌اند و یا با بافت اجتماعی برخی جوامع سازگار نیستند (مرعشی، ۱۳۸۵) وابستگی فرهنگی این داستان‌ها، چون به عناصر انتزاعی تفکر برمی‌گردند، کم می‌شود و در عین حال به صفر نمی‌رسد. ممکن است بعضی داستانها صبغه‌های فرهنگی داشته باشند. اما باید از میان آنها گزینش کرد. برخی از داستانها را می‌توان بازنگری کرد یعنی داستان را با توجه به ادبیات و فرهنگ هر کشور بیان کرد (باقری، ۱۳۸۳) میتوان از بسیاری از این داستان‌ها استفاده کرد، لذا باید داستان‌ها با ویژگیهای فلسفی، روانشناسی و رشدی هر مقطع، متناسب کرد (قائدی، ۱۳۸۵) لذا ضروری است که به تدوین و گزینش متون متناسب با شرایط محیطی و اجتماعی و فرهنگی جامعه خویش اقدام کنیم. زیرا مسائل مختلف هر کشور متناسب با استعداد و تجربیات تاریخی و فرهنگی همان کشور است (شریعتمداری، ۱۳۶۲). اکنون در آموزش و پرورش کشور از شیوه‌های رایج تدریس، نارضایتی وجود دارد و بدین سبب طراحان برنامه‌های درسی از نوآوری و نوگرایی در این زمینه، استقبال می‌کنند. کارایی روش‌هایی نظیر سخنرانی، انتقال اطلاعات از معلم به دانش‌آموز و حفظ کردن و تأکید بر محفوظات که شالوده روشهای سنتی تدریس است، مدت‌ها است مورد ایراد و پرسش قرار گرفته است. برای جبران کمبودهای اینگونه روشها، عده‌ای از متخصصان استفاده از وسایل جدید آموزشی مانند فیلم، اسلاید، نوارهای دیداری و شنیداری را توصیه میکنند و عده‌های دیگر روشهای مباحثه‌ای، پرسش و پاسخ و انجام دادن آزمایشهای انفرادی و گروهی را جانشین روشهای قبلی کرده‌اند. روشهای فعال تدریس از جمله کاوشگری، می‌توانند ابزارهایی مفید در جهت نیل به ارتقای اهداف آموزشی به شمار آیند. الگوی تدریس رویکرد کاوشگری علمی بر تلاش و سخت‌کوشی مبتنی است. یعنی معلم به طور مستقیم پاسخ نمی‌دهد، بلکه کوششی دو جانبه، سبب رسیدن به حقایق می‌شود. روش‌های اکتشافی همواره باید با تقویت‌کننده‌های مناسب همراه باشند. در غیر این صورت، فراگیران از دامنه-

ی فعالیت خودداری خواهند کرد و باید برای آنان تفهیم شود که مستقیماً به آنها کمکی نخواهد شد و اگر تلاش نکنند به هدف نخواهند رسید لذا محقق در این راستا در پی پاسخ به این سؤال است که به دنبال الگوی برنامه درسی مبتنی بر فلسفه برای کودکان با رویکرد کاوشگری علمی در درس علوم پایه چهارم چگونه است؟

سوال اصلی

الگوی برنامه درسی مبتنی بر فلسفه برای کودکان چگونه است؟

سوالات فرعی

اهداف در برنامه درسی مبتنی بر فلسفه برای کودکان چگونه است؟

محتوا و سازماندهی در برنامه درسی مبتنی بر فلسفه برای کودکان چگونه است؟

روش یا راهبردهای تدریس در برنامه درسی مبتنی بر فلسفه برای کودکان چگونه است؟

ارزشیابی در برنامه درسی مبتنی بر فلسفه برای کودکان چگونه است؟

روش شناسی

پژوهش کیفی ماهیتاً چندروشی است و متضمن رویکردی تفسیری و طبیعت‌گرایانه به موضوع مورد مطالعه است. این بدان معناست که پژوهش‌گران کیفی، مسائل را در موقعیت‌های طبیعی آنها مطالعه می‌کنند و می‌کوشند پدیده‌ها را برحسب معنایی که مردم به آنها می‌دهند، مفهوم‌سازی یا تفسیر کنند. این روش برای مطالعه جامع و عمیق پدیده در شرایط طبیعی مورد استفاده قرار می‌گیرد (گال، بورگ و گال، ۱۳۹۴: ۲۰۱). هدف کلی در هر مطالعه موردی کیفی، مشاهده تفصیلی ابعاد مورد تحت مطالعه و تفسیر مشاهده‌ها از دیدگاه کل‌گرا است. از این‌رو مطالعه موردی بیشتر به روش کیفی و با تأکید بر فرآیندها و درک و تفسیر آنها انجام می‌شود. «مورد» چنان انتخاب می‌شود که نمایان‌کننده وضعیت یا حالت کلی تحت مطالعه، یا مثالی از پدیده منظور نظر باشد که پژوهش‌گر می‌خواهد درباره آن‌ها به درک عمیقی دست یابد (سرمد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۸). از آنجا که تدوین برنامه درسی از پیچیدگی‌های زیادی برخوردار بوده و لازم است تمامی ابعاد و جوانب به دقت مورد بررسی قرار گیرد لذا با استفاده از روش مطالعه موردی کیفی^۱ موضوع دنبال شده است. به این صورت که؛

^۱ . qualitative case study

تدوین برنامه درسی مبتنی بر فلسفه برای کودکان پایه چهارم در درس علوم تجربی با تاکید بر ... □ ۱۹

پس از گردآوری مبانی نظری و اصول زیربنایی فلسفه برای کودکان و بررسی پژوهش‌های عملی انجام شده در حوزه مذکور، با متخصصین، صاحب‌نظران و پژوهش‌گران فلسفه و برنامه درسی مصاحبه عمیق بازپاسخ با گروه کانونی^۱ به عمل آمد تا حوزه‌های فلسفه برای کودکان و آموزش‌های مربوط به هر یک از حوزه‌ها را معرفی نمایند. سپس این نتایج، در اختیار اعضای هیأت علمی رشته روان‌شناسی تربیتی قرار گرفت تا محتوای طراحی شده را با ویژگی‌های روان‌شناختی و نیازهای دانش‌آموزان دوره ابتدایی تطبیق دهند. در مرحله بعد؛ نتایج هر دو بخش در اختیار متخصصین برنامه درسی دوره ابتدایی قرار می‌گیرد تا عناصر برنامه درسی خاص آموزش فلسفه برای کودکان پایه چهارم را تشریح کنند. در نهایت بر مبنای نظر متخصصین برنامه درسی، آن دسته از محتواهای ارائه شده که هم با ویژگی‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان دوره ابتدایی منطبق بوده و هم با سایر عناصر برنامه درسی طراحی شده مطابقت دارد، به عنوان برنامه درسی قابل اجرا در نظر گرفته شده و در قالب فصول قابل تدریس دسته‌بندی شده است.

طرح پژوهش

با توجه به هدف این بخش که تدوین برنامه درسی آموزش فلسفه برای کودکان پایه چهارم دوره ابتدایی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. لذا پژوهش در زمره طرح‌های کیفی و از نظر روش، مطالعه موردی کیفی می‌باشد.

مشارکت‌کنندگان و روش انتخاب آنها

مشارکت‌کنندگان بالقوه پژوهش حاضر شامل سه گروه می‌باشند:

گروه اول) تمامی متخصصان، صاحب‌نظران و پژوهش‌گران حوزه فلسفه برای کودکان به منظور شناسایی رئوس محتوایی آموزش فلسفه برای کودکان و آموزش‌های تخصصی مرتبط
گروه دوم) تمامی اعضای هیأت علمی رشته روان‌شناسی تربیتی که با ویژگی‌ها، ساختارها و نیازهای دانش‌آموزان دوره‌های مختلف تحصیلی آشنا هستند؛ به منظور انطباق رئوس محتوایی تدوین شده در مرحله قبل با ویژگی‌های دانش‌آموزان دوره ابتدایی.

گروه سوم) متخصصان برنامه درسی و اعضای گروه درسی علوم تجربی دفتر تألیف کتاب‌های درسی دوره ابتدایی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش به منظور

^۱ . interview focus group

مشارکت در تدوین عناصر برنامه‌درسی خاص دوره چهارم ابتدایی بر اساس رئوس محتوایی تدوین و فیلتر شده توسط دو گروه اول و دوم

برای انتخاب هر ۳ گروه مشارکت‌کنندگان از رویکرد نمونه‌گیری هدفمند استفاده می‌شود. معیار تعداد انتخاب مشارکت‌کنندگان اشباع نظری^۱ می‌باشد. به عبارتی انتخاب افراد تا زمانی ادامه پیدا نمود که اطلاعات جدیدی به اطلاعات قبلی اضافه نشود.

ابزار پژوهش

جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه بازپاسخ با گروه کانونی و مطالعه اسناد بالادستی انجام می‌شود.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده از پرسشنامه مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی^۲ انجام می‌یابد. بر این اساس ابتدا متن بخش مصاحبه از روی صوت ضبط می‌شود در جلسه مصاحبه پیاده‌سازی می‌شود و با استفاده از یادداشت‌های برداشته شده در طی جلسات مصاحبه تکمیل می‌گردد. سپس با مطالعه دقیق این متون، به تحلیل محتوای کیفی پرداخته می‌شود. ضمناً جهت برخی از مشارکت‌کنندگان که برگزاری مصاحبه حضوری میسر نگردد، پرسشنامه به آنان ارسال و پس از تکمیل عودت داده می‌شود.

تحلیل داده‌ها

در این مرحله با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و بر اساس اطلاعات به دست آمده از هر گروه از مشارکت‌کنندگان، تجزیه و تحلیل صورت گرفته است.

تحلیل داده‌های کیفی حاصل از دیدگاه متخصصان، صاحب نظران و پژوهش‌گران نتایج حاصل از اطلاعات ارائه شده توسط متخصصان، صاحب نظران و پژوهش‌گران در جدول شماره ۱- دسته بندی شده است.

^۱- theoretical saturation

^۲. qualitative content analysis

جدول شماره ۱ - مضامین برگرفته شده از مصاحبه و بررسی اسناد

مضامین	عنصر	ردیف
<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد خودباوری و بالا بردن اعتماد به نفس در کودک • علاقمندی به درس و معلم • اعتقاد به مفید بودن دروس و ایجاد انگیزه برای یادگیری • بروز استعداد های پنهان و شکوفایی آن • درک و یادگیری بهتر معلومات • قدرت مقابله با مشکلات • قدرت نقادی و پرورش خلاقیت • کشف کمبود های معنوی کودک • بروز پرسش های پنهان کودک • عادت به تفکر فردی و گروهی • تقویت روحیه همکاری • ایجاد رقابت سالم و دوستانه • استفاده از عقاید دیگران • ایجاد مسئولیت پذیری • داشتن انعطاف پذیری در زندگی آینده • مقابله با شستشوی مغزی و تبلیغات سوء • ارتقاء سطح قضاوت در کودک از طریق استفاده از ملاکها و معیارها • بوجود آمدن خود صحیح گری در کودکان • بالا بردن سطح توجه کودک به عقاید و آراء افراد در جامعه • کنجکاوی نسبت به شناخت پدیده ها • مهارت در فکر کردن و بیان مقصود • همکاری با دیگران • مهارت در فکر کردن و بیان مقصود • قناعت به حق خود و رعایت حقوق • دیگران پایبندی به انجام مسئولیتهایی که به او واگذار شده است • رعایت مقررات اجتماعی • آشنایی با نحوه یادگیری خود • آشنایی با نحوه تفکر خودشناسی • توانایی تعقل 	<p>هدف</p>	<p>۱</p>

مضامین	عنصر	ردیف
<ul style="list-style-type: none"> • پرورش خلاقیت • رشد فردی و بین فردی • پرورش درک اخلاقی • توانایی مفهوم یابی در تجربه 		
<ul style="list-style-type: none"> • گوش دادن • صحبت کردن • تفکر • افکار • نظرات • تصور کردن • قوه تخیل • پرسش ها • پاسخ ها، دلیل • قانون، قوانین • موافقت • مخالفت • مخالف • تعمیم • راه حل • درست • نادرست • انصاف • بی انصاف • راستی • دروغ • واقعی • غیر واقعی • شبیه • متفاوت • استدلال قیاسی 	محتوا	۲

تدوین برنامه درسی مبتنی بر فلسفه برای کودکان پایه چهارم در درس علوم تجربی با تاکید بر ... □ ۲۳

مضامین	عنصر	ردیف
<ul style="list-style-type: none"> • استدلال درباره زبان • طبقه بندی • تمثیل • رابطه کل و جز • رابطه وسیله و هدف • به دنبال معانی 		
<ul style="list-style-type: none"> • بحث گروهی • بدیعه پردازی • تفحص گروهی • پرسش و پاسخ • مداخله راوی • بیان فکر • بارش مغزی • گفتگوی سقراطی • کاوشگری علمی • روشهای فعال 	روش	۳
<ul style="list-style-type: none"> • درون داد • برون داد • فرایند • بازخوردها و پیامدها • محصول محور • فرایند محور 	ارزشیابی	۴

جدول شماره ۲ - دسته بندی مضامین پایه و سازماندهنده

ردیف	عنصر	مضامین سازماندهنده	مضامین پایه
۱	هدف	<ul style="list-style-type: none"> ● پرسشگری ● نقادی ● مسئولیت پذیری ● رشد فردی و اجتماعی ● رشد تفکر ● شکوفایی استعداد 	<ul style="list-style-type: none"> ○ ایجاد خودباوری و بالا بردن اعتماد به نفس در کودک ○ علاقمندی به درس و معلم ○ اعتقاد به مفید بودن دروس و ایجاد انگیزه برای یادگیری ○ بروز استعدادهای پنهان و شکوفایی آن ○ درک و یادگیری بهتر معلومات ○ قدرت مقابله با مشکلات ○ قدرت نقادی و پرورش خلاقیت ○ کشف کمبودهای معنوی کودک ○ بروز پرسشهای پنهان کودک ○ عادت به تفکر فردی و گروهی ○ تقویت روحیه همکاری ○ ایجاد رقابت سالم و دوستانه ○ استفاده از عقاید دیگران ○ ایجاد مسئولیت پذیری ○ داشتن انعطاف پذیری در زندگی آینده ○ مقابله با شستشوی مغزی و تبلیغات سوء ○ ارتقاء سطح قضاوت در کودک از طریق استفاده از ملاکها و معیارها ○ بوجود آمدن خود صحیح گری در کودکان ○ بالا بردن سطح توجه کودک به عقاید و آراء افراد در جامعه ○ کنجکاوی نسبت به شناخت پدیده ها ○ مهارت در فکر کردن و بیان مقصود ○ همکاری با دیگران ○ مهارت در فکر کردن و بیان مقصود ○ قناعت به حق خود و رعایت حقوق ○ دیگران پایبندی به انجام مسئولیتهایی که به او واگذار شده است ○ رعایت مقررات اجتماعی

تدوین برنامه درسی مبتنی بر فلسفه برای کودکان پایه چهارم در درس علوم تجربی با تاکید بر ... □ ۲۵

ردیف	عنصر	مضامین سازماندهنده	مضامین پایه
			<ul style="list-style-type: none"> ○ آشنایی با نحوه یادگیری خود ○ آشنایی با نحوه تفکر خودشناسی ○ توانایی تعقل ○ پرورش خلاقیت ○ رشد فردی و بین فردی ○ پرورش درک اخلاقی ○ توانایی مفهوم یابی در تجربه
۲	محتوا	<ul style="list-style-type: none"> ● طبقه بندی ● تمثیل ● رابطه کل و جز ● رابطه وسیله و هدف ● به دنبال معانی 	<ul style="list-style-type: none"> ○ گوش دادن ○ صحبت کردن ○ تفکر ○ افکار ○ نظرات ○ تصور کردن ○ قوه تخیل ○ پرسش ها ○ پاسخ ها، دلیل ○ قانون، قوانین ○ موافقت ○ مخالفت ○ مخالف ○ تعمیم ○ راه حل ○ درست ○ نادرست ○ انصاف ○ بی انصاف ○ راستی ○ دروغ ○ واقعی ○ غیر واقعی ○ شبیه

۲۶ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی سال دهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۸

ردیف	عنصر	مضامین سازماندهنده	مضامین پایه
			<ul style="list-style-type: none"> ○ متفاوت ○ استدلال قیاسی ○ استدلال درباره زبان ○ طبقه بندی ○ تمثیل ○ رابطه کل و جز ○ رابطه وسیله و هدف ○ به دنبال معانی
۳	روش	<ul style="list-style-type: none"> ● بحث گروهی ● بدیعه پردازی ● تفحص گروهی ● پرسش و پاسخ ● مداخله راوی ● بیان فکر ● بارش مغزی ● گفتگوی سقراطی ● کاوشگری علمی ● روشهای فعال 	<ul style="list-style-type: none"> ○ بحث گروهی ○ بدیعه پردازی ○ تفحص گروهی ○ پرسش و پاسخ ○ مداخله راوی ○ بیان فکر ○ بارش مغزی ○ گفتگوی سقراطی ○ کاوشگری علمی ○ روشهای فعال
۴	ارزشیابی	<ul style="list-style-type: none"> ● درون داد ● فرایند ● برون داد ● بازخورد ● 	<ul style="list-style-type: none"> ○ درون داد ○ برون داد ○ فرایند ○ بازخوردها و پیامدها ○ محصول محور ○ فرایند محور

تدوین برنامه درسی مبتنی بر فلسفه برای کودکان پایه چهارم در درس علوم تجربی با تاکید بر ... □ ۲۷

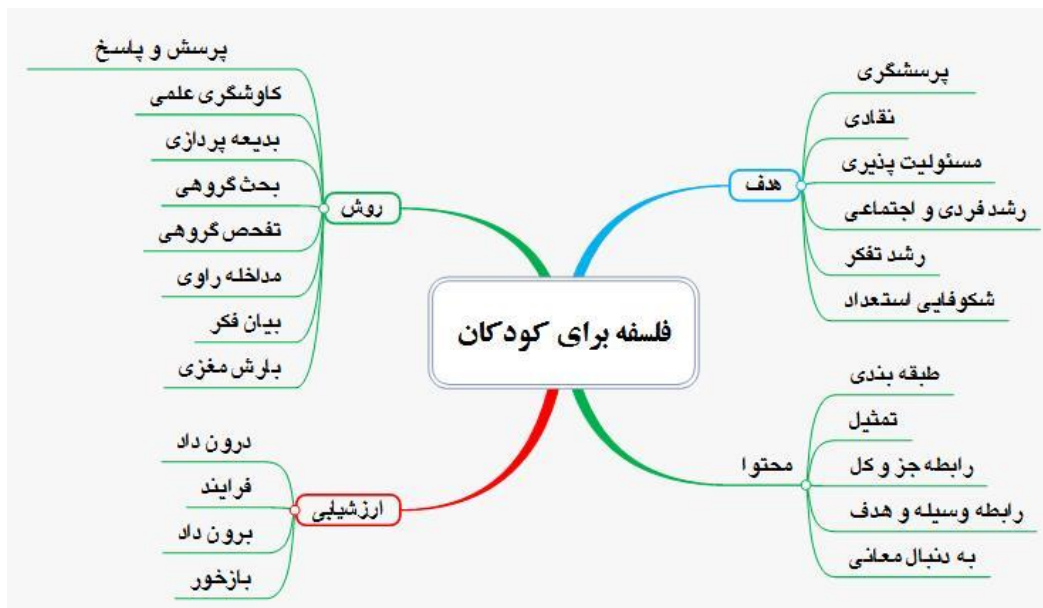
تدوین برنامه درسی فلسفه برای کودکان

در این بخش به طراحی و تدوین عناصر برنامه درسی فلسفه برای کودکان با رویکرد کاوشگری علمی پرداخته می شود.

جدول شماره ۳- عناصر برنامه درسی فلسفه برای کودکان

عناصر			
ارزشیابی	روش	محتوا	هدف
درون داد فرایند برون داد بازخورد	بحث گروهی بدیعه پردازی تفحص گروهی پرسش و پاسخ مداخله راوی بیان فکر بارش مغزی کاوشگری علمی	طبقه بندی تمثیل رابطه کل و جز رابطه وسیله و هدف به دنبال معانی	پرسشگری نقادی مسئولیت پذیری رشد فردی و اجتماعی رشد تفکر شکوفایی استعداد

نقشه مفهومی



اعتبارپذیری داده ها

تعیین اعتبار داده های کیفی با استفاده از تکنیک های تأییدپذیری ۱ و اعتماد پذیری ۲ انجام شد. برای

این منظور از روش همسوسازی ۳ داده ها به صورت جمع آوری اطلاعات از روش های:

الف) گردآوری مبانی نظری و اصول زیربنایی مربوط به آموزش فلسفه برای کودکان

ب) پژوهش های عملی انجام شده در حوزه آموزش فلسفه برای کودکان

ج) و مصاحبه با صاحب نظران استفاده شد.

جدول ۵- همسوسازی داده های کیفی

ردیف	عنوان	مولفه ها	پژوهشهای نظری و عملی
۱	هدف	<ul style="list-style-type: none"> • پرسشگری • نقادی • مسئولیت پذیری • رشد فردی و اجتماعی • رشد تفکر • شکوفایی استعداد 	لیمن (۱۹۹۱)، قاندى (۱۳۸۷)
۲	محتوا	<ul style="list-style-type: none"> • طبقه بندی • تمثیل • رابطه کل و جز • رابطه وسیله و هدف • به دنبال معانی • کاوشگری اجتماعی • کاوشگری علمی 	پیکسی (۱۹۸۱)، کیوگس (۱۹۹۲)، قاندى (۱۳۸۷)، مارک (۱۹۹۸)، تونی (۲۰۰۲)
۳	روش	<ul style="list-style-type: none"> • بحث گروهی • بدیعه پردازی • تفحص گروهی • پرسش و پاسخ • مداخله راوی • بیان فکر • بارش مغزی • کاوشگری علمی 	قاندى (۱۳۸۷)،
۴	ارزشیابی	<ul style="list-style-type: none"> • درون داد • فرایند • برون داد • بازخورد 	قاندى (۱۳۹۰)، قاندى (۱۳۸۷)، وارجاری (۱۳۹۱)، فالن (۱۹۹۱)، سپلیتر و شارپ (۱۹۹۵)، ساتکلیف و ویلیامز (۲۰۰۰)

لیکی (۲۰۰۰)			
تریکی و تاپینک (۲۰۰۴)			
فیشر (۱۳۸۵)			
مگان (۲۰۰۴)			

بحث و نتیجه گیری

بررسی یافته‌ها

با توجه به یافته‌های پژوهش وادغام و خلاصه‌سازی مضامین پایه بدست آمده از مصاحبه با مشارکت‌کنندگانی بالقوه پژوهش مضامین پایه استخراج شده درچارچوب عناصر چهار گانه برنامه درسی کلاین به عنوان مضامین سازمان دهنده سطح اول، قرار گرفتند. این عناصر شامل هدف، محتوا، روش و ارزشیابی می‌باشد. تتبع درکلیه مضامین سازمان دهنده سطح اول (عناصر برنامه درسی)، نشان داد که کلیه این مضامین سازمان دهنده هر کدام دارای تعدادی مضامین پایه است که می‌بایست در دست یابی به مضمون‌گزینشی برنامه درسی آموزش فلسفه برای کودکان، مورد توجه قرار گیرند. ساختار هر عنصر برنامه درسی مبتنی بر آموزش فلسفه برای کودکان، بیانگر الزامات و تمهیدات لازم آن برای مبدل شدن به عنصر برنامه درسی مبتنی بر آموزش فلسفه و تمرکز هر عنصر برنامه درسی مبتنی بر آموزش فلسفه برای کودکان، بیانگر نتایج مطلوبی است که هر یک از عناصر برنامه درسی مبتنی بر آموزش فلسفه برای فراگیران خواهند داشت

از دیدگاه متخصصین علوم تربیتی ازجمله اهدافی که باید در تدوین برنامه درسی آموزش فلسفه برای کودکان نظر قرار گیرد پرسشگری و تفکر نقاد است توانایی پرسشگری با تمرین در حلقه کندوکاو امکان پذیر خواهد شد، باید کلاس کاوشگری ای بیافرینیم که در آن به پرسش‌های دانش آموزان ارزش داده شود و مدرسه به صورت آزمایشگاهی برای تمرین مهارت پرسشگری و فراگیری تفکر انتقادی کودکان باشد تا کودکان با درگیری در تجربیات واقعی کلاس، مهارتهای لازم را برای ایفای نقش در جامعه کسب کنند. تحقق این اهداف با به کارگرفتن گفتگو و ایجاد حلقه کندوکاو میسر می‌شود که کودکان با مشارکت با یکدیگر به طرح پرسش و انتقاد از نظرهای خود و دیگران بپردازند. پرسش ذهن را با خود درگیر می‌کند و کودکان را به تفکر تشویق می‌کند و البته پرسش‌هایی که معلمان و کتابهای درسی در الگوی سنتی آموزش و پرورش به کار می‌برند، مانع فعالیت

ذهنی دانش آموزان می شود و دانش آموزان را از زحمت فکر کردن نجات می دهد. به نظر فیشر، پرسش خوب تفکر را به چالش می کشد و تلاشی برای فهمیدن است. اینگونه پرسش ها دشوارند، معمولاً از چیزی قطعی سرچشمه نمی گیرند و خواستار پاسخ بی انتها و متفکرانه اند. آنها زایا هستند، زیرا چیز جدیدی تولید می کنند، بهترین پرسشها هر دو عنصر چالش و علاقه را ایجاد میکنند. بدین ترتیب در حلقه کدوکاو، پرسش محرک برانگیزاننده حس کنجکاوی دانش آموز می شود و او در جمع سوالات خود را مطرح میکند و صورت بندی سوالات را فرا می گیرد و با کمک معلم سطح سوالات از پایین ترین سطوح شناختی به بالاترین سطوح ارتقا می یابد. بنابراین، ارائه برنامه آموزش فلسفه برای کودکان الگویی جدید را در آموزش و پرورش به وجود می آورد و کودکان در حلقه کدوکاو توانایی رشد پرسشگری و مهارت طرح سؤال را کسب می کنند. در زمینه هدف مسئولیت پذیری در آموزش فلسفه برای کودکان باید بیان داشت که احساس مسئولیت یکی از ویژگیهای شخصیتی انسانهاست که عبارت از قابلیت پذیرش، پاسخگویی و به عهده گرفتن کاری است که از کسی درخواست میشود و فرد حق دارد آن را

بپذیرد یا نپذیرد. مسئولیت پذیری تعهد و الزام درونی فرد برای انجام دادن مطلوب فعالیتهایی است که به عهده وی گذاشته میشود. انسانهایی که مداوم از خود میپرسند دنیا چه معنایی دارد، باید متوجه باشند که این زندگی است که از انسان می پرسد چه معنایی به هستی خود میدهد. انسانها صرفاً با مسئول بودن می توانند به زندگی پاسخ دهند. یکی از ویژگیهای فردی انسان مسئولیت پذیر بودن اوست. واژه مسئولیت پذیری در عرف به معنای توانایی پاسخ دادن مؤثر و تصمیم گیری های مناسب در شرایط و موقعیت های گوناگون است. منظور از تصمیم گیری های مناسب آن است که فرد در چارچوب هنجارهای اجتماعی و انتظاراتی که معمولاً از او می رود، دست به انتخابی بزند که سبب ایجاد روابط انسانی مثبت، افزایش ایمنی، موفقیت و آسایش خاطر وی شود. پاسخ مؤثر پاسخی است که فرد را قادر میسازد تا به هدفهایی که سبب تقویت عزت نفس می شوند، دست یابد. احساس مسئولیت در درون فرد ریشه دارد و ارزشهایی که فرد در خانه و اجتماع کسب میکند، آن را رشد و جهت می دهد. مسئولیت پذیری عبارت است از احساس ارزشمندی در روح هر انسان که او را ترغیب به فعالیت های انسانی و اجتماعی می کند و نتیجه هر یک از این فعالیتها، برداشتن باری از دوش خانواده یا جامعه است. یک انسان مسئول، با تمام وجود آماده است تا وظایف خویش را تشخیص و آنها را انجام دهد. کشف مفهوم مسئولیت پذیری موجب می شود که فرد نیازهای خود و دیگران را در نظر بگیرد و برای دیگران دریچه ای باز کند. وی در مرحله ارزش قائل شدن برای فداکاری و مسئولیت پذیری یعنی پشتیبانی از افراد وابسته و آسیب پذیر است و به تسلیم پذیری در مقابل

انتظارهای دیگران تمایل دارد و افراد دیگر از محبت های او، بیش از خودش بهره مند میشوند. کسب آگاهی از عدم تعادل میان خود و دیگران موجب برقراری عدالتی نو می شود، عدالتی که تنش میان خودمداری و مسئولیت پذیری را از بین می برد. از اهداف دیگری که باید در آموزش فلسفه برای کودکان در نظر گرفت . رشد تفکر است که فلسفه برای کودکان اقدامی آموزشی است که به بهبود تفکر خلاق در کودکان می پردازد و از فلسفه، به منزله ی شیوه های برای پرورش تفکر اخلاقی، تفکر انتقادی، و تفکر خلاق بهره می برد. لیپمن و همکارانش معتقدند که منظور از آموزش فلسفه به کودکان آموختن روش تفکر فلسفی است، از طریق گفت و گوهای فلسفی که اغلب به روش سقراطی است. بنابراین، در نظر گرفتن فلسفه در معنایی که حامیان آموزش فلسفه به کودکان آن را دنبال می کنند نمونه ای از رویکرد پژوهشی به تعلیم و تربیت است. از زمان سقراط، خردجویی به معنای گفت و گو و تبادل افکار دانسته شده است. فلسفه با شگفتی و جست و جو برای یافتن اساسی ترین پرسش ها درباره ی زندگی انسان، از طریق گفت و گو، شروع می شود. کودکان هم می توانند در گفت و گو درباره ی پرسش های عمیق و معماگونه شرکت کنند و به رشد تفکر می انجامد . تفکر، انسان را به نوعی آزادی و آزادگی و انصاف و دوری از تعصب می کشاند و به او استدلال در اندیشه می دهد تا بتواند بایسته های زندگی و اطراف خود را با ابزار تفکر و استدلال درک کند نه از روی عادت، تقلید، تعصب یا گزینه های اولیه حیوانی و خلاصه ماشینی وار. اما بهتر است که اساس کار منطقی اندیشیدن از زمان کودکی و دوران آموزش اولیه باشد نه در بزرگسالی که نهادهای درونی انسان شکل گرفته و عادات و ملکات بر انسان حکومت می کند. از اداف دیگر قابل بحث رشد فردی و اجتماعی است . انسان، از آغاز پیدایش خود و تا جایی که تاریخ مدون او نشان می دهد، زندگی را به صورت دسته جمعی و گروهی شروع کرده و ادامه داده است. انسانها به دلایل متعدد ی مانند ارضاء نیازهای فردی، اجتماعی، معنوی، و غیره، به صورت اجتماع ی زندگی می کنند. به طور کلی، انسان، اجتماعی خلق شده است و بدون زندگی اجتماعی، قادر به ادامه حیات نیست. لازمه زندگی اجتماعی، اجتماعی شدن است مهارت های اجتماعی برای داشتن ارتباط مثبت با دیگران و پذیرش توسط آنان ضروری است. مهارت های اجتماعی را رفتارهایی می داند که احتمال دریافت تقویت را به حداکثر می رساند و احتمال تنبیه موکول به رفتارهای اجتماعی فرد را کاهش می دهد. از نظر او، مهارت های اجتماعی رفتارهایی است که در موقعیت های معین، پیامدهای اجتماعی مهم را پیش بینی می کند. مهارت های اجتماعی، اساس یادگیری به دست می آید و شامل توانایی شروع ارتباط مناسب و موثر با دیگران و نیز ارائه پاسخ های مفید و شایسته است. آنان معتقدند که این مهارت ها، ماهیتی تعاملی دارند، مشتمل بر پاسخ های موثر و مناسب می باشند و انجام دادن آنها تحت ویژگی ها و محیطی

است که مهارت مورد نظر در آن بروز می کند. بنابراین، مهارت های تیر می گذارند. این مهارت اجتماعی، رفتارهای آموختنی هستند که بر روابط میان افراد مهارت ها، از رفتارهای مشخص و مشتعل بر توانایی شروع ارتباط، و ارائه پاسخ تشکیل شده است و احتمال دریافت تقویت اجتماعی را به بیشترین حد می رساند. دانش آموزانی که در حال ورود به هزاره سوم هستند، باید افرادی باشند که توانایی فکر کردن برای خودشان، خودآموزی، خود تعدیل کنندگی، خود جهت دهی و داوری مدل راداشته باشند. آنان به منظور داشتن توانمندی در جهت برخورد منطقی با چالش ها و مسائل زندگی، به یادگیری مهارت هایی فراسوی محتوای دانش نیازمندند و یکی از آن مهارت ها مهارت های اجتماعی است.

از عناصر دیگری که در تدوین برنامه درسی آموزش فلسفه برای کودکان باید به آن توجه شود شکل گیری محتوا و سرفصل دروس می باشد. محتوای برنامه درسی آموزش فلسفه برای کودکان باید بتواند بر جنبه های شناختی، عاطفی و مهارتی تمرکز داشته باشد که بتواند با انعطاف پذیری لازم انگیزه، خلاقیت را در فراگیران افزایش دهد.

محتوای آموزشی برنامه ی فلسفه برای کودکان بطور سنتی همان چیزی است که لیپمن در طی سالهای ۱۹۷۰-۲۰۰۰ تدارک دیده است، اما در طی همین سالها موارد دیگری نیز به آن اضافه شده است. شعر، گزارش روزنامه، بازیهای کودکان، موسیقی، مجموعه عکس، فیلم مستند، سایر منابع و محتوای برنامه فلسفه برای کودکان را تشکیل می دهند. تجارب کودکان نیز یکی از منابع مهم برای آموزش است... موریس و هانیش (۲۰۰۰) یکی سری داستانهای دنباله دار از کتاب داستانها (۱۹۹۶) و بازیها (۱۹۹۷) طراحی کرده اند که برای ایجاد تفکر در کلاس درس مورد استفاده قرار می گیرد، کتابهای تصویری نیز در کلاسها در دسترس هستند که بوسیله موریس (۱۹۹۲) نحوه ی استفاده از آنها برای کاوشگران تشریح شده است.

یکی از مواردی که باید در آموزش فلسفه برای کودکان به آن توجه شود بحث مهارتها می باشد و باید مطرح کرد که چگونه می توان فکر کردن را به کودکان آموزش داد؟ از نظر لیپمن فکر کردن در مورد تفکر شامل مطالعه مهارتهای فردی است که تفکر از آنها تشکیل شده است. او بیش از سی مهارت جداگانه را بصورت فهرست وار ذکر می کند که کودکان باید همه آنها را فرا گیرند. اولین مهارت در فهرست او که مهارتی مهم محسوب می شود « تدوین شفاف و روشن مفاهیم است.» در پایه سوم و چهارم مهارتهای تفکر سطوح میانی نظیر طبقه بندی، تمثیل و مجموعه بندی و... تقویت می شوند و در پایه های پنجم و ششم مهارتهای شناختی در سطح عالی نظیر استنباط فوری، متقارن و مجازی و قیاس مورد توجه است. این ترتیب دهی بیشتر منطقی است تا زمانی؛ زیرا مهارتهای

سطوح میانی متضمن مهارت‌های سطح پایین تر است و مهارت‌های عالی با بالاتر متضمن هر دو، اگرچه برخی از مهارت‌ها نسبت به برخی دیگر کمتر ماهرانه است. برنامه‌ی درسی فلسفه برای کودکان بر توالی منطقی تأکید دارد. با این پیش فرض که این توالی منطقی است که با رشد روان شناختی در هر دوره مطابق است. برنامه درسی در هر سطح، نمونه‌هایی را تدارک می‌بیند که در مورد دستیابی مهارت‌ها در هر سطح هستند با این پیش فرض که کودکان در هر سنی باید مهارت‌های متعلق به همه-ی سطوح منطقی را در خود تقویت کنند. لذا در این پژوهش محتوای ارائه شده با تأکید بر تفکر و تعمق فراگیران طراحی شده است.

از عناصر دیگری که در تدوین برنامه درسی آموزش فلسفه برای کودکان باید لحاظ گرد روش‌های یاددهی - یادگیری است در تدوین روش‌های یاددهی یادگیری تمرکز باید بر روی فعال باشد. گر خواهان بهبود یادگیری دانش آموزان و ارتقاء عملکرد نظام آموزشی در نیل به اهداف متعالی آن هستیم، باید نسبت به اشاعه و کاربرد روش‌های جدید تعلیم و تربیت و تدریس در مدارس کشور اقدام نمود. بنابراین یکی از ضروری‌ترین تحولات در نظام‌های آموزشی، تحول در نگرش و روش تدریس معلمان نظام آموزشی است.

با پیشرفت جوامع از طرفی و شناخت عملی انسان از طرف دیگر، اصول و روش‌های تدریس نیز تغییر یافتند. و دیگر مانند زمان‌های گذشته نیست که معلم همچون پادشاهی در کلاس درس فرمانروایی کند و دانش آموزان نیز گوش به فرمان ایشان باشند و هر روز با ترس به مدرسه بروند و شب‌ها کابوس کتک خوردن از معلم را ببینند. امروزه دانش آموز در کلاس می‌تواند اظهار نظر کند و حتی می‌تواند با نظر معلم مخالفت کند بدون اینکه ترس از تنبیه شدن را داشته باشد. و معلمان نیز به جای اینکه به فکر راهکارهایی برای ترساندن دانش آموز باشند تا بتوانند بهتر کنترل کلاس را بدست گیرند؛ به دنبال ایجاد علایق در دانش آموز هستند تا با استفاده از آن تدریس موثرتری داشته باشند. یکی از اساسی‌ترین مسائل تعلیم و تربیت، توجه به شیوه‌های تدریس است. اگر محتوای آموزشی با بهترین روشها تدریس نشود، کارآمد نخواهد بود، به نظر می‌رسد چگونگی تدریس از محتوای آن مهم تر است؛ زیرا متون آموزشی همه جا یافت می‌شود، اما راهبردها و شیوه‌های تدریس خوب می‌تواند تضمین کننده یادگیری باشد. انتخاب روش تدریس یکی از مراحل مهم طراحی آموزشی است. معمولاً معلم بعد از انتخاب محتوا و قبل از تعیین وسیله، باید خط مشی و روش تدریس مناسب خود را انتخاب کند؛ چون خط مشی معلم و روش تدریس او چگونگی فعالیت شاگردان را برای رسیدن به هدف‌های آموزشی مشخص می‌سازد. روشهای تدریس تا آنجا در امر آموزش اهمیت دارد که گروهی از علمای تربیتی، تسلط به روشهای تدریس را مهمتر از دانش و اطلاعات علمی معلم

دانسته اند. تجربه نشان داده است، معلمانی که به روشهای تدریس مسلط بوده اند، از دیگر همکاران خود که تنها به اطلاعات علمی تکیه داشته اند، موفق تر بوده اند. ناگفته پیداست که بسنده کردن صرف به دانسته های پیشین و تعصب در به کارگیری روش های سنتی به خصوص در عرصه آموزش همه مطالب و در تربیت انسان جدید، امری باطل است؛ زیرا ناکارآمدی نظام های آموزشی سنتی، کهنه و غیرفعال در محیط های جدید با توجه به پیشرفت های اخیر در زمینه تدریس، ابتدا در جوامع پیشرفته و سپس در جوامع در حال توسعه مشهود گردیده است. روش های متنوعی برای تدریس وجود دارد که هر کدام برای شرایط و درس خاصی مناسب است، لذا معلم و برنامه ریز باید با توجه به هدف های آموزشی، موضوع درس، خصوصیات دانش آموزان، امکانات موجود، جو حاکم بر کلاس تعداد دانش آموزان، زمان در اختیار کلاس و ده ها مساله دیگر، مناسب ترین روش تدریس را انتخاب کند. لذا در آموزش فلسفه برای کودکان روشهای بحث گروهی، بدیعه پردازی، تفحص گروهی، پرسش و پاسخ، مداخله راوی، بیان فکرو بارش مغزی، کاوشگری علمی پینهاد می گردد.

عنصر دیگری که مورد بررسی قرار گرفته است ارزشیابی در آموزش فلسفه برای کودکان می باشد. دلایلی که غالباً در ضرورت انجام ارزشیابی برای هر برنامه ی درسی به ویژه آموزش فلسفه برای کودکان اقامه می شود بسیار زیاد است ولی شاید انگیزه اصلی، میل به پیشرفت و بهبود جریان کار باشد همچنین رشد و توسعه د تعمق و تفکر و ارزیابی تعمق فراگیران به این دلیل که از این طریق فهمیده می شود که چه مواردی باید بهبود یابد و این گونه بهبود چگونه انجام خواهد پذیرفت. بنابراین ارزشیابی جزء جدایی ناپذیر برنامه های درسی است و نمی توان از آن اجتناب کرد. از این رو مسئله ی اساسی که با آن مواجهه هستیم این است که چگونه از ارزشیابی استفاده کنیم و از چه طریق آنرا بهبود بخشیم. ارزشیابی به شیوه ی مرسوم حتی اگر به درستی انجام شود، همچنان در برخی موارد در برنامه ی فلسفه برای کودکان از آن انتقاد می شود. ارزشیابی در شیوه ی سنتی ارتقایی، رقابتی، و معلومات محور است؛ در حالی که در فلسفه برای کودکان جمعی، مهارت محور، و غیر رقابتی است و حتی ارزشیابی راهی است برای کمک به یکدیگر در یادگیری و بهبود و اصلاح و پیشرفت آن. هدف از برخی انتقادهای فلسفه برای کودکان، و حتی علت پدید آمدن چنین برنامه ای، مقابله با تأثیرهای منفی شیوه سنتی به ویژه ارزشیابی آن است. فلسفه برای کودکان بر این باور است که ارزشیابی سنتی جریان تفکر را کند می کند و حتی مانع پذیرش نتایج ارزشیابی می شود. تمرکز ارزشیابی در فلسفه برای کودکان بر گفت و گوی جمعی است. از این رو برای پاسخ گویی به چنین خواسته هایی داشتن یک چهارچوب (مدل یا نظام) ضروری به نظر می رسد. مدلی که در این پژوهش ارائه می گردد مدل چهار سوپه (درون داد، فرایند، برونداد و بازخورد) می باشد. که این نوع ارزشیابی

بتواند یک مدل کامل و جامعی جهت توسعه و بازخورد اهداف در آموزش فلسفه برای کودکان شود.

منابع و ماخذ

- باقری، خ. (۱۳۸۵). اهمیت اجرای برنامه P4C و همسویی آن با تعلیم و تربیت اسلامی. فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، سال ۸، شماره ۲۶. صص ۳۵-۲۳
- شریعتمداری، علی. (۱۳۶۲ و ۱۳۸۱). جامعه تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات امیرکبیر
- صفایی مقدم، مسعود؛ مرعشی، سیدمنصور؛ پاک سرشت، محمدجعفر؛ باقری، خسرو؛ سپاسی، حسین. (۱۳۸۵). بررسی تاثیر روش اجتماع پژوهشی در برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش مهارتهای استدلال دانش آموزان پایه سوم راهنمایی مدرسه نمونه دولتی اهواز. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز. ۳(۲)، ۳۱-۵۴
- ضرغامی، سعید، نسبت فلسفه تعلیم و تربیت با فلسفه برای کودکان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۴
- عطاران، محمد(۱۳۷۵)، آرای مریبان بزرگ درباره تربیت کودک. تهران: انتشارات مدرسه.
- فیشر، رابرت(۱۳۸۵)، آموزش و تفکر، ترجمه فروغ کیان زاده، اهواز؛ انتشارات رشش
- قائدی، یحیی. (۱۳۸۳). آموزش فلسفه به کودکان. بررسی مبانی نظری. تهران: نشر دواوین.
- قائدی، یحیی. (۱۳۸۶). بررسی بنیادهای نظری برنامه درسی فلسفه برای کودکان از دیدگاه فیلسوفان عقل گرا. فصل نامه مطالعات برنامه درسی. سال دوم. شماره ۶ صص ۴۳-
- قائدی، یحیی. (۱۳۸۸). برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان در دوره متوسطه و راهنمایی. فرهنگ ویژه فلسفه برای کودکان و نوجوانان). پژوهشگاه علوم انسانی سال بیست و دوم. شماره اول، پیاپی ۶۹
- قائدی، یحیی. (۱۳۸۲). « بررسی مبانی نظری برنامه آموزش فلسفه به کودکان» رساله دکترا. دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم
- قائدی، یحیی، ۱۳۸۴، اصول فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، سمت
- قائدی، یحیی؛ سلطانی، سحر. (۱۳۹۰) فلیفه ویتگنشتاین و برنامه فلسفه برای کودکان. مجله علمی و پژوهشی تفکر کودک. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۲(۱)، ۹۱-۱۰۷
- قضاوی، خدیجه. (۱۳۸۶). نقد و بررسی برنامه آموزش فلسفه به کودکان پایه سوم ابتدایی، پیکسی، بر اساس اصول برنامه درسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم.
- قضاوی، خدیجه. (۱۳۸۶). « نقد و بررسی برنامه آموزش فلسفه به کودکان پایه سوم ابتدایی، پیکسی، بر اساس اصول برنامه درسی». پایان نامه کارشناسی ارشد. پایان نامه کارشناسی ارشد.
- مایرز، چت؛ (۱۳۸۶)، آموزش تفکر انتقادی. ترجمه خدایار ایلی، تهران، سمت.

تدوین برنامه درسی مبتنی بر فلسفه برای کودکان پایه چهارم در درس علوم تجربی با تاکید بر ... □ ۳۷

- مرعشی، سیدمنصور (۱۳۸۸). پویایی های اجتماع پژوهشی در برنامه آموزش فلسفه به کودکان فصلنامه فرهنگ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی . ۲۲ (۱) . ۱-۱۰.
- مرعشی، سیدمنصور. (۱۳۸۸). پویایی های اجتماع پژوهشی در برنامه آموزش فلسفه به کودکان. فصلنامه فرهنگ (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی). ۲۲(۱)، ۱-۱۰.
- مرعشی، منصور. (۱۳۸۵). «بررسی تأثیر روش اجتماع-پژوهشی در برنامه آموزش فلسفه به کودکان و پرورش مهارت های استدلال دانش آموزان پسر پایه سوم راهنمایی مدرسه نمونه دولتی اهواز». رساله دکترا، دانشگاه شهید اچمران اهواز.
- Fisher, R. (۲۰۰۱). Philosophy in primary schools. Fostering thinking skills and literacy. Reading, Literacy and Language. ۳.
- Haynes, J. (۲۰۰۲). Children as philosophers. London: Routledge Flamer.
- Lukey, B. (۲۰۱۲). Philosophy for children in Hawaii: A community circle discussion. Educational Perspectives, ۴۴, ۱-۲, ۳۲-۳۷.
- Morrissey, T.W. (۲۰۱۰). Sequence of child care type and child development: What role does peer exposure play?. Journal of early childhood research quarterly. ۲۵, ۳۳-۵۰.
- Murriss, K. (۲۰۱۶). The Philosophy for Children curriculum: Resisting 'teacher proof' texts and the formation of the ideal philosopher child. Studies in Philosophy and Education, ۳۵(۱), ۶۳-۷۸.
- Murriss, Karin, (۲۰۰۳). " can children do philosophy? Journal of philosophy of education/ volume ۳۴, issue ۲
- Splitter, L. & Sharp, A. M. (۱۹۹۵). Teaching for better thinking, the classroom community of inquiry. Australia: ACER.
- Trawick-Smith, J., & Dziurgot, T. (۲۰۱۱). Good-fit teacher-child play interaction and the subsequent autonomous play of preschool children. Journal of Early Childhood Research Quarterly. ۲۶, ۱۱۰-۱۲۳.